

بررسی کتاب فلسفه، الهیات و سیاست: خوانشی از رساله الهیاتی - سیاسی اسپینوزا نگاشته پُل بگلی

سیدمصطفی شهرآیینی*

محمدسینا میرزایی**

چکیده

کتاب فلسفه، الهیات و سیاست: خوانشی از رساله‌ی الهیاتی - سیاسی اسپینوزا می‌کوشد تا با بهره‌گیری از منابع وزین و با کوششی ریشه‌شناسانه (etymological) مهم‌ترین مفاهیم مندرج در رساله‌ی اسپینوزا را نقل، تحلیل و نقد کند. از میان دو نقد درونی و بیرونی، نقد پُل بگلی سویی نقد درونی دارد. در کنار منابع و شرح‌های فراوان دریاب تفکر اسپینوزا، اثر بگلی نیز توانسته است اثری مقبول در میان شرح‌ها و خوانش‌های دنیای انگلیسی زبان باشد. رساله‌ی اسپینوزا اثری است دریاب الهیات و سیاست. اما به باور بگلی آن کتابی است الهیاتی و سیاسی که به قلم فیلسوفی نگاشته شده است که به فلسفه بیش از الهیات و سیاست متعهد و وفادار است. از این رو، رساله‌ی اسپینوزا اثری است فلسفی که کارکردهای الهیات و سیاست را در زندگی همگان از منظری فلسفی بر می‌رسد. این نوشتار کوشیده است، تا با نگاهی توصیفی - تحلیلی، ساختار صوری و محتوایی کتاب بگلی را پیش رو نهد و سپس آن را از نگرگاه توان و کاستی بررسی کند.

کلیدواژه‌ها: رساله‌ی الهیاتی - سیاسی اسپینوزا، پُل بگلی، فلسفه، الهیات، سیاست، نقد درونی، موسی‌ی جدید

* دانشیار گروه فلسفه، دانشگاه تبریز، مأمور در پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی،

m_shahraeen@yahoo.com

** دانشجوی دکتری فلسفه، دانشگاه تبریز (نویسنده مسؤل)، sina.mirzaee@hotmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۹/۲۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۲/۰۶

Copyright © 2018, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose

۱. مقدمه

در این مقاله می‌کوشیم تا از منظری توصیفی - تحلیلی کتاب فلسفه، الهیات و سیاست: خوانشی از رساله‌ی الهیاتی - سیاسی اسپینوزا را معرفی و در پاره‌ای موارد نقد کنیم. ساختار این نوشتار بدین شیوه است که نخست به معرفی اجمالی کتاب، نویسنده و ویراستاران مجموعه می‌پردازد سپس به آثار مرتبط و دلیل برگزیدن این اثر اشاراتی خواهد داشت. پس از آن به ساختار صورتی‌پردازی آن‌گاه، معرفی و شرح هر یک از فصول کتاب را، گاه با تحلیل پاره‌ای از آراء نویسنده، دستمایه‌ی بررسی محتوایی خواهیم کرد. در بخش پسین، نقد اثر، قوت و کاستی آن، در دو بخش صوری و محتوایی، و نیز گفتاری با عنوان نتیجه‌گیری خواهد آمد.

پل بگلی در این کتاب می‌کوشد تا با رویکردی متن‌پایه و با نقد درونی بر ایضاح مفهومی کتاب اسپینوزا تأملی داشته باشد. به باور او اسپینوزا موسی زمانه است چرا که با تفسیر عقلانی کتاب مقدس توانسته است دگر بار اصولی همچون تعبد، پیروی از قانون الهی، قانون مدنی، اصول اخلاق فردی و اخلاق جمعی را به کانون توجه آورد. به باور بگلی اسپینوزا با پیش‌فرض هستی‌شناختی و خداشناختی این اصول را از منظری فلسفی و با رویکرد طبیعت - خدا باورانه از متن مقدس استخراج می‌کند.

هدف از نگارش رساله‌ی الهیاتی - سیاسی را از زبان خود اسپینوزا باید شنید. اسپینوزا در یکی از نامه‌هایش به تاریخ چهارم سپتامبر ۱۶۶۵، آلدنبرگ (Oldenburg) را از نگارش این رساله مطلع می‌کند. آلدنبرگ به این نامه محتاط‌آمیز پاسخ می‌دهد:

اگر جایز باشد می‌خواهم بگویم که شما در این رساله بیشتر الهیات‌ورزی کرده‌اید تا فلسفه‌ورزی. زیرا هم خویش را مصروف اندیشه‌ورزی در باب فرشتگان و تبوت و معجزات کرده‌اید. اما شاید مقصودتان این باشد که به گونه‌ای فلسفی در این باب اندیشه‌ورزی کنید.

اسپینوزا در پاسخ می‌نویسد: «رساله‌ای که در دست نگارش دارم رساله‌ای است در باب عقاید درباره کتاب مقدس؛ و ملاحظاتی که مرا به انجام این کار واداشته به قرار ذیل است: ۱. پیش‌داوری الهی‌دانان؛ زیرا می‌دانم که آنها بزرگترین مانع برای آدمیانی هستند که می‌خواهند توانایی فکری‌شان را در فلسفه به کار بندند. بنا بر این در تکاپوی رهانیدن و آگاه کردن آنها [انسان‌ها] از اندیشه‌هایی هستم که بیشتر مصلحت‌گرایانه‌اند.

۲. نگرشی که مردم قشری از من سراغ دارند؛ آنها هرگز از بهتان و اتهام الحاد به من لحظه‌ای کوتاه نمی‌آیند، و من مجبورم تا جایی که می‌توانم این اتهام را دفع کنم و پاسخ گویم.

۳. آزادی فلسفه‌ورزی و آزادی بیان آنچه می‌اندیشیم، که به هر طریقی می‌خواهم از آن دفاع کنم؛ در این جا واعظان (preachers) تا می‌توانند این آزادی را با مرجعیت مفرط و سیزه‌جویانه‌شان سرکوب می‌کنند.» (Curley, 1985: CW II: 11).

۲. معرفی کلی اثر و نویسنده آن

فلسفه، الهیات و سیاست؛ خوانشی از رساله‌ی الهیاتی - سیاسی اسپینوزا^۱ نگاشته‌ی پل بگلی (Paul Bagley) از چهار فصل اصلی تشکیل شده است. فصل نخست: فلسفه، فصل دوم: الهیات، فصل سوم: سیاست، فصل چهارم: فلسفه، الهیات و سیاست. در پایان کتاب بخشی با عنوان سخن فرجامین (Epilogue) آمده است. این اثر در سال ۲۰۰۸ میلادی از سوی انتشارات بریل (Brill) با همکاری دانشگاه لیدن (Leiden) هلند و دانشگاه بوستون (Boston) آمریکا منتشر شد. بگلی استاد فلسفه دانشگاه مرلند آمریکا است. فلسفه‌ی اوایل دوران مدرن، فلسفه باستان، اسپینوزا، افلاطون و فلسفه‌ی سیاسی حوزه‌هایی هستند که بگلی در آنها قلم زده است. اثر درخور توجه دیگر بگلی، در مقام سر ویراستار، کتابی است با عنوان *تقوا، صلح و آزادی فلسفه‌ورزی*^۲ شامل یازده جستار (essay). کتاب اخیر، بی‌آنکه در پی گشودن و یافتن پاسخ نهایی باشد، می‌کوشد تا مسایل و پرسش‌های برآمده از رساله‌ی الهیاتی - سیاسی اسپینوزا را دگر بار بررسی کند. این اثر، بسان خوانش، تأکیدی است بر سیر خط فکری بگلی در ورزیدن جان‌مایه‌ی کلام اسپینوزا از نگارندگان سرشناس جستارها می‌توان به مایکل روزنتال (Michael Rosenthal) و توماس کوک (Thomas Cook) اشاره کرد.

۳. ویراستاران اثر و معرفی آثار مرتبط با آن

خوانش پاره‌ای است از مجموعه‌ی فراخ‌دامنه‌ی پیوست‌هایی (ملحقاتی) به ژورنال اندیشه و فلسفه‌ی یهودی^۳، مجموعه‌ای در بیست و هشت مجلد. ویراستاران این مجموعه الیوت ولفسون (Elliot R. Wolfson)، کریستیان ویس (Christian Wiese) و لئورا باتنیتسکی (Leora Batnitzky) است. ولفسون، که نباید او را با هری ولفسون (Harry Austryn Wolfson)

اسپینوزا شناس شهیر و استاد دانشگاه هاروارد اشتباه گرفت، استاد مطالعات یهودی در دانشگاه کالیفورنیا - سانتا باربارا است. تاریخ اسطوره‌ی یهودی و پژوهش اندر باب هرمنیوتیک قباله‌ای (Kabbalistic Hermeneutics) از حوزه‌های پژوهشی ولفسون بشمار می‌رود. کریستیان ویس استاد کرسی مطالعات یهودی - آلمانی دانشگاه ساسکس (Sussex) انگلستان است. کتاب *زندگی و اندیشه‌ی هانس جونز: سویگان یهودیت* یکی از آخرین آثار ویس بشمار می‌رود. خانم لئورا باتنرسکی استاد مطالعات یهودی و فلسفه‌ی دین در دانشگاه پرینستون آمریکاست. او نگارنده‌ی کتاب *لئو اشتراوس و ایمانوئل لویناس* و نیز مدخل اشتراوس از دانشنامه‌ی فلسفی استنفورد است. مجموعه‌ی *پیوست‌ها* آهنگ آن دارد تا پژوهشی ستبر از تاریخ سترگ مغرب زمین را، از سده‌های میانی تا به اکنون، بر ما هویدا سازد. از آن جمله است کاویدن تاریخ شفاهی و مکتوب عهدین، تفسیر فلسفی کتاب مقدس، فلسفه‌ی سده‌های میانی و آغاز دوران مدرن و جایگاه و خاستگاه تفکر و اخلاق در جامعه‌ی یهود و برهم‌کنش آن با فکر و فلسفه‌ی امروزی یهودی. از دیگر مجلدات این مجموعه می‌توان به دو جلد ذیل اشاره کرد: *فیلسوفان یهودی کلاسیک از سعادیا تا رنسانس* (The Classic Jewish Philosophers From Saadia through the Renaissance) اثر لئونارد لوین (Leonard Levin) و از پدیدارشناسی تا اگزیستانسیالیسم (From Phenomenology to Existentialism) اثر شوارتز (Dov Schwartz).

تک‌نگاشت‌های فراوانی از فلسفه و دین یهودی در دست داریم. به گمان نگارنده‌ی این سطور آثار هری ولفسون از درخشان‌ترین آنهاست. با این همه، پیوست‌ها می‌تواند بر گوشه‌های مهم و بکر تاریخ اندیشه‌ی یهودی پرتوی دیگرگونه افکند و ما را به خواندن یا دوباره خواندن آثار کلاسیک الهیاتی و فلسفی برانگیزاند. با تأسی از سنت بزرگ و غنی شرح‌نویسان اروپایی و آمریکایی، پل بگلی نیز کوشیده است تا روش‌شناسانه و ریشه‌شناسانه گران‌سنگ‌ترین پاره‌های اندیشه‌ی اسپینوزا را به مصاف یک‌دیگر برد و سازگاری درونی یا ناسازگاری اندیشه‌ی او را، گاه نقادانه و گاه توصیف‌گرایانه، بر ما بنمایاند.

نگارنده، تا آن‌جا که نگریده، بر آن است تا به آثار جدیدتر و مهم و مرتبط‌تر با این اثر اشاره‌ای داشته باشد. نخست، در مقام معرفی این آثار مختصر توصیفی می‌آوریم سپس به این پرسش که چرا اثر پل بگلی را بر گرفته‌ایم سخنی خواهیم گفت.

- کتاب رساله‌ی الهیاتی - سیاسی اسپینوزا: رهنمایی انتقادی^۷. این کتاب شامل سیزده گفتار یا مقاله است که مشخصاً بر تفسیر و تبیین رساله‌ی الهیاتی - سیاسی^۷ تمرکز دارد. این اثر همچون یک companion بر آن است تا با رویکردی موضوعی به مهم‌ترین اندیشه‌های اسپینوزا بپردازد. سر ویراستاران این مجموعه مایکل روزنتال استاد دانشگاه واشینگتن و یایتراک ملامد استاد دانشگاه جان هاپکینز هستند. از چهره‌های برجسته در این مجموعه می‌توان به سوزان جیمز و جانانان اسریل اشاره کرد.
- کتاب اندیشه‌ی اسپینوزا درباره‌ی سیاست^۸ اثری است تازه منتشر شده که نویسندگان آن را دانیل فرانک (Daniel Frank)، استاد دانشگاه پردو و جیسون والر (Jason Waller) استاد دانشگاه الینویز شرقی تشکیل داده اند. دانیل فرانک پیشتر در مجموعه‌ی بزرگ تاریخ فلسفه‌ی یهودی قلم‌فرسایی کرده بود. نکته‌ی شایان ذکر در این کتاب رویکردی بستر-محور به دو رساله‌ی الهیاتی - سیاسی و رساله‌ی سیاسی است که دغدغه‌ی نویسندگان را در رساله‌ی نخست پررنگ‌تر می‌بایم. کتاب از هفت فصل بر ساخته شده که می‌توان به موارد پیش‌رو اشاره کرد: مسئله‌ی الهیاتی - سیاسی (فصل اول)، طبیعت‌گرایی و حق و قدرت (فصل دوم)، نقد دین کتاب مقدس سستی (فصل چهارم) و نظریه‌ی مردم‌سالارانه (فصل هفتم). مشخصاً در باب اندیشه‌ی سیاسی اسپینوزا، کتاب، فرضیه‌ای دارد مبنی بر اینکه، نگرش اسپینوزا نه نظریه‌ی قرارداد اجتماعی لیبرال است و نه گونه‌ای از جمهوری‌خواهی کلاسیک، بلکه پلی است میان آن دو.
- کتاب تاریخ فلسفه‌ی یهودی، از باستان تا سده‌ی هفدهم^۹. سر ویراستاران این اثر استیون نادلر (Steven Nadler) استاد مطالعات یهودی در دانشگاه ویکانسین آمریکا و ت. ام رودفسکی (T. M. Rudavsky) استاد فلسفه در دانشگاه اوهایو هستند. این اثر آن‌گونه که از نام‌اش بر می‌آید تاریخی است از عهد باستان تا اوایل مدرن که تأکیدش بر تفکر یهودی دوران میانه، در مقایسه با سایر ادوار، سنگینی می‌کند. دست‌بندی موضوعی این اثر بر دسته‌بندی مبتنی بر گاه‌شماری و اشخاص رجحان یافته است. این تاریخ فلسفه از موضوعات ذیل قوام یافته است: منطق، زبان؛ فلسفه‌ی طبیعی؛ معرفت‌شناسی؛ فلسفه‌ی ذهن و روان‌شناسی؛ متافیزیک و الهیات فلسفی؛ و فلسفه‌ی (حکمت) عملی. افزون بر این، شاهد پاره‌هایی هستیم که بسترهای

عقلانی شکل‌دهنده‌ی فلسفه‌ی یهودی را بر ما آشکار می‌سازد؛ از آن جمله است: تفکر یونانی و اسلامی و نیز سنت‌های متن‌پایه‌ی (textual) فلسفه‌ی یهودی. این تاریخ، بی‌آنکه بر زبان نگارنده‌ی این سطور غلوی گفته آید، چشم‌اندازی خیره‌کننده از غنای حکمی - فلسفه‌ی یهودی را در دوران طلایی‌اش پیش‌روی ما می‌نهد.

- اثر دیگر کتاب سوزان جیمز است که عنوانی تقریباً مشابه با کتاب بگلی دارد: *اندیشه‌ی اسپینوزا در باب فلسفه، دین و سیاست؛ رساله‌ی الهیاتی - سیاسی*^۱. این کتاب در چهار فصل و در مجموع دوازده بخش آراء رساله را از منظری موضوعی بررسی می‌کند. ایضاح مفهومی مباحثی که اسپینوزا از آنها دفاع می‌کند در نگاه نویسنده‌ی کتاب ما را در شنیدن پیام کتاب توانا می‌سازد. سوزان جیمز در این کتاب آراء دیگر شارحان را درباره‌ی موضوع یا فقره‌ای خاص از رساله گزارش می‌کند. به تعبیری به تحلیل و نقد بیرونی اندیشه‌ی اسپینوزا بیش‌تر مبادرت دارد. با اینکه بگلی و جیمز هر دو به رساله‌ی اسپینوزا اهتمام تام ورزیده‌اند اما اثر جیمز به لحاظ ساختاری و جزئیات کتابشناختی، از جمله عنوان‌ها و زیر عنوان‌ها و منابع به‌روزتر، بر اثر بگلی، از این منظر، پیشی یافته است.

۴. دلیل انتخاب اثر

در دنیای انگلیسی زبان کتاب‌های شرح (Commentary) همواره روشنی‌بخش بوده‌اند. شرح ماندگار نورمن کمپ اسمیت بر نقد اول کانت (نقد عقل محض) نمونه‌ی درخشان آنهاست. با نگاهی به این نمونه، مختصر نگاهی خواهیم داشت به برخی از مهم‌ترین کارهایی که شارح در اثر خویش تواند کرد.

- نقد درونی اثر شامل: گزارش آراء فیلسوف، پرداختن به بافتار و واکاوی سیر خط استدلال‌های اثر و پرسش‌های متن‌پایه، اتیمولوژی و سنجش میزان سازگاری درونی اثر و اینکه بدانیم آیا نتایج قول فیلسوف می‌تواند از مقدمات او برآید یا خیر.
- نقد بیرونی اثر شامل: در نقد بیرونی باید اندیشه‌ی فیلسوف را به مصاف موافقان و مخالفان او برد. بررسی پیش‌فرض‌ها و لوازم و برآیند قول و آراء دیگر شارحان دیگر رسالتی است که به نظر می‌رسد به نُه‌توی اندیشه‌ی فیلسوف راه می‌برد.

در سالیان آخر اندیشه‌ی اسپینوزا شرح و تفسیرهای فراوانی به خود دیده است. مشخصاً، در باب رساله الهیاتی - سیاسی به برخی از برجسته‌ترین آنها اشاره شد. هر یک از این آثار مکمل یکدیگرند و بی‌تردید هر یک قوت و کاستی‌هایی دارند. اثر بگلی مشخصاً با عنوان خوانش (A Reading) از این قاعده مستثنی نیست. استفاده از زبان اصلی، لاتینی، در ترجمه و ارجاع و نگرش ریشه‌شناسانه و پژوهش متن‌پایه یعنی نقد درونی اثر دلایلی هستند که ما را در معرفی و نقد این اثر برانگیخت.

۵. ویژگی‌های شکلی اثر

۱. طرح جلد ساده با رنگ سرمه‌ای. چاپ عنوان روی جلد و نیز در عطف کتاب در قطع وزیری.
۲. این کتاب ۲۴۹ صفحه دارد که دو صفحه‌ی آن تقدیرنامه و توضیحات نگارنده است و پنج صفحه‌ی آن منابع.
۳. ارجاعات و توضیحات به صورت پانوش (footnote).
۴. ارجاعات کتاب به آثار اسپینوزا به اصل زبان لاتینی و با مشخصات کتاب‌شناسی ذیل است؛ Spinoza Opera, ed. Carl Gebhardt, 4 vols. (Heidelberg, 1925, Universitätsbuchhandlung). رساله‌ی الهیاتی - سیاسی در جلد سوم این مجموعه یعنی صفحات ۳ تا ۲۶۷ است.
۵. عنوان رساله‌ی اسپینوزا در نسخه‌ی لاتینی چنین است: *Tractatus theologico-politicus* که بگلی از آن با عنوانی چون "the treatise" و نیز TTP ارجاع داده است.
۶. این کتاب داری کتابشناسی و نمایه‌ی اشخاص است.

۶. خاستگاه اثر

اسپینوزا در رساله، با نگاهی تاریخی - هرمنیوتیکی به کتاب عهدین، بسیاری از مفاهیم مندرج در آن را با ترازوی عقل به چالش می‌کشد. او با نشان دادن این امر که مرجعیت سیاسی اولیای دین بر خرافه‌پرستی و آرزواندیشی مردمان افزوده و از عقلانیت آنها کاسته است، بر ناکارآمدی سیاست مبتنی بر دین انگشت می‌گذارد. اسپینوزا اذعان می‌دارد که تکریم و تعظیم تنها درخور خدا و عشق به خداست، نه مرجعیت اولیای دین و کلمات

کتاب مقدس. اصولاً، در نظرگاه اسپینوزا عهد عتیق متنی طبیعی، و نه ماوراءالطبیعی، است که می‌توان آن را موضوع پژوهش علمی^{۱۱} و طبیعی قرار داد. در نظرگاه اسپینوزا آدمی با تفسیر کتاب مقدس و واکاوی آن با ابزار عقل می‌تواند از خرافه و کژوی و پیش‌داوری به در آید و رهی رهین عقلانیت پیشه گیرد. به دیگر سخن، اسپینوزا نه تنها تفاوتی میان تفسیر کتاب مقدس و تفسیر طبیعت نمی‌بیند که آن دو را هم‌پوشان یکدگر می‌داند. اسپینوزا معتقد است که روش درست تفسیر طبیعت، نخست، بر ساختن تاریخ طبیعی است، سپس بر گرفتن تعاریف اشیاء از آن تاریخ همچون برگرفتن اصلی متقن. او کتاب مقدس را نیز مستعد این گونه پژوهش می‌داند. در باب کتاب مقدس، نخست، باید تاریخی حقیقت‌گرایانه از متن مقدس بدست داد آنگاه اندیشه‌ی مؤلفان متن مقدس را از آن تاریخ برگیریم. در این کوشش اسپینوزا بر دو نکته تأکید می‌ورزد: نخست آنکه برای شرح و تفسیر کتاب مقدس راهی جز آنچه از خود کتاب مقدس بر می‌آید نیست. به تعبیری متن کتاب مقدس باید با خود آن داوری و سنجیده شود. دوم، بایسته است همواره نور طبیعی عقل^{۱۲} فراروی دیدگان ما باشد. نتیجه‌ای که از تأکید دوم اسپینوزا بر می‌آید بی‌تردید نجات ما از به دام افتادن به کژ راهی است (Spinoza, 2007: 98).

روشی که اسپینوزا در شرح و تفسیر کتاب مقدس به کار می‌زند ما را بر آن می‌دارد که روشی هم‌پایه‌ی آن را در واکاوی رساله‌ی اسپینوزا پیشه کنیم. این آن نقطه‌ای است که کار بگلی و خاستگاه و عوامل پا گرفتن آن تا حدودی بر ما روشن می‌شود. بسان روش اسپینوزا در نقد درونی کتاب مقدس، رساله را نیز اینگونه باید بررسی‌د. افزون بر این، نقدی بیرونی برای سنجش داوری‌ها طلب می‌آید. نقد درونی صرف تأکید بر متن رساله‌ی اسپینوزا و سنجش میزان سازگاری درونی (consistency) آراء او. نقد بیرونی یعنی رأی شارحان و فیلسوفان دیگر - موافق یا مخالف - بر اندیشه‌ی اسپینوزا. باید افزود که به نظر می‌رسد، نقد درونی یک اثر در پژوهش فلسفی، اولین و برترین مرتبت راستی است. با این نگاه است که نقد بیرونی در خدمت مفاهیم اصلی پژوهش قرار می‌گیرد.

اسپینوزا دغدغه‌ی واحدی را در کتاب *اخلاق و رساله پی می‌گیرد* و آن تأسیس اخلاق و بر ساختن سازواره‌ی پژوهشی در باب الهیات مبتنی بر عقلانیت است. اخلاقی که می‌تواند پایه‌ای باشد برای هر نظام سیاسی. با این نگاه، این فرضیه را می‌توان مطرح کرد که اسپینوزا در رساله، می‌کوشد در مقام محاجه با علمای دین یهود، بر سیاست مبتنی بر اخلاق پای بفشارد، اخلاقی که در نظرگاه او به یاری نور طبیعی عقل و در نزد عامی‌ترین آدمیان نیز

دست‌یافتنی است. برآیند این نگاه به سیاست، در اداره‌ی شهر، دولتی است که از میان مردمان برخاسته و بر فعل عقل و منع از انفعالات دعوت می‌کند، دولتی که مدافع اصول آزادی اندیشه است و ضامن تحقق دموکراسی و حافظ صلح و آرامش شهروندان است. در نزد اسپینوزا دولت یکی از شرط‌های اساسی تحقق آزادی است.

نیاز به شرح و تفسیر واژگانی رساله بی‌تردید، نیاز به نگارش کتابی همچون خوانش بگلی را بیش از پیش پر رنگ‌تر می‌کند. پُر پیداست که رساله کتابی است در باب الهیات و سیاست. اما به تعبیر بگلی «رساله کتابی است که نگارنده‌ی آن فیلسوفی است که بیش از الهیات و سیاست دل در گرو فلسفه دارد. از این رو، رساله اثری فلسفی است که نقش الهیات (دین) و سیاست را در زندگانی مردمان و از نظرگاه فلسفی بر می‌رسد. با این نگاه، شاید، کار اسپینوزا منحصر به فرد نباشد. یکی از مهم‌ترین آثار فلسفی سده‌ی هفدهم لویاتان^{۱۳} نوشته توماس هابز^{۱۴} است. او در این اثر گامی بر می‌دارد که کم و بیش مشابه آن چیزی است که اسپینوزا در ایضاح نسبت میان الهیات (دین) و سیاست در حیات آدمی و از منظر فلسفی وجه همت خود ساخته است. هابز تمایزی آشکار میان قلمرو یا قدرت مدنی و کلیسایی می‌بیند، اما اسپینوزا نوع متفاوتی از نسبت میان الهیات و سیاست را در مد نظر دارد.» (Bagley, 2008: 4-5). همان‌گونه که از عنوان رساله بر می‌آید در این کتاب، بررسی شالوده‌های الهیاتی - سیاسی در کانون توجه است و به واژگان بگلی ساخت و آمیختگی (composition) می‌طلبد که راه حل و پاسخی را برای مسایل و پرسش‌های الهیاتی - سیاسی پیش رو نهد. بگلی با رویکردی ریشه‌شناسانه (etymological) توان واژه‌ای تراکتاتوس (tractatus) را بر می‌رسد تا اهتمام اسپینوزا به کاوش الهیاتی - سیاسی را ایضاح کند. بگلی معتقد است که واژه‌ی لاتینی tractatus معنایی ذیل را در دل خود دارد، "handling" "treatment"، "working"، "management" که شاید بتوان معادل‌های ذیل را، به ترتیب، برای آنها برگزید: ^{۱۵} پرداختن، درمانگری، ورزیدن و کار کردن (در معنی کشتن و ثمری حاصل آوردن) و اداره کردن (ibid: 5). با این نگاه کار بگلی می‌تواند اثری باشد که تا حدود زیادی می‌کوشد تا پاره‌های مختلف اندیشه‌ی اسپینوزا را در رساله توصیف، تحلیل و در مواردی نقد کند.

۷. نقد محتوایی اثر

اکنون، با اتکا به فصول چهارگانه خوانش، به معرفی و تحلیل و بررسی کتاب می‌پردازیم. اما پیش از آن باید به اجمال فصول بیست‌گانه‌ی اسپینوزا در رساله و برخی از مهم‌ترین اندیشه‌های او را معرفی کرد تا سخنان بگلی را مرتبط و متناسب با رساله بیابیم. به این منظور، در گام نخست باید به خاستگاه نگارش رساله یعنی زمینه و زمانه‌ی اسپینوزا اهتمام ورزید. مقدمتاً باید گفت رخداد‌های سیاسی و اجتماعی هلندِ اواسط سده‌ی هفدهم در زمانی پیشتر از آن ریشه دارد، یعنی در سی و یکم مارس ۱۶۹۲. فرناندو و ایزابلا (Isabella and Ferdinand) در آن سال تمامی یهودیانی را که ایمان نیاورده بودند، فرمان اخراج داد و گروهی از یهودیان بناچار به مسیحیت گرویدند. اما هزاران تن از آنان به پرتغال پناه بردند و پنج سالی را در آن‌جا سکنی گزیدند. از سال ۱۵۵۰ دامنه‌ی تفتیش عقاید به پرتغال نیز گسترش یافت و گروه پرشماری از یهودیان به مهاجرت روی آوردند. خانواده اسپینوزا از شمار همین یهودیان بودند که نخست برای مدتی کوتاه به شهر نانت پناهنده شدند و تحت حمایت لوئی چهارم، پادشاه فرانسه، قرار گرفتند. از آن‌جا نیز به ولایات (یا ایالات) متحده‌ی هلند مهاجرت کردند (Peters, 1995: 11). در آن روزگار موجی از نا آرامی و تنش سیاسی و دینی اروپا را فرا گرفته بود. دانیل فرانک (Daniel Frank) و جیسون والر (Waller Jason) هر دو بر آنند که همه چیز در ۳۱ اکتبر سال ۱۵۱۷ آغاز شد، درست هنگامی که مارتین لوتر اعلامیه‌ی نود و پنج ماده‌ای خود را به سر در کلیسای ویتنبرگ آویخت. این کار آغازی سمبلیک برای رخدادها و انقلاب‌هایی بود که به یک باره اروپا و بنیان‌های آن رابه لرزه در آورد. زنجیره‌ای از اصلاحات پروتستان اروپا را بیش از دو سده فراگرفت. با این اصلاحات حاکمیت و استیلای بی قید و شرط کلیسایی خاص فروپاشید (Daniel Frank, Jason Waller, 2016: 5-6).

در این میان اسپینوزا، از یک سو، در مقام هرمنوتیسین - با رویکرد هرمنیوتیک تاریخی - به کاوشی در باب وثاقت متون مقدس می‌پردازد و از سوی دیگر، دین و دولت و نقش عقل را در آن دو می‌آزماید. پیشگفتار و پانزده فصل اول رساله به تعبیری الهیاتی است و پنج فصل پایانی بر سیاست تمرکز دارد. که شش فصل از پانزده فصل بر آرای دینی قوم یهود می‌پردازد و فصول هفت تا پانزده شاهد نگرش هرمنیوتیکی، هرمنیوتیک کتاب مقدس عهدین نه فقط عهد عتق، اسپینوزا هستیم. در فصول و خطوط کلی رساله می‌آید. چارلز جیرت به شرح ذیل این فصول را خلاصه کرده است.

فصل یک و دو (نبوت و پیامبران)، فصل چهار (قانون الهی) که در برگیرنده‌ی قانون طبیعی و قوانین بشری از جمله قواعد برحق حکومت یا قوانین مربوط به بالاترین خیر ما که همانا شناخت و عشق خداوند است. فصل شش (معجزات)، فصل هفت (تفسیر کتاب مقدس) که در نظرگاه اسپینوزا، کتاب مقدس باید به مثابه‌ی امری طبیعی و نه موضوعی فراطبیعی نگریسته شود. اسپینوزا لازمه‌ی این نگرش را بررسی زبان و شرایط نویسندگان در انشای کتاب مقدس می‌داند. او این نوع بررسی را «موافق اصول علمی» (scientifically) می‌نامد. فصل هشت و یازده (در باب نویسندگان کتاب مقدس)، فصل سیزده (هدف کتاب مقدس)، فصل چهارده (ایمان جهانی) و فصل پانزده (نسبت میان فلسفه (علم) و الهیات (دین)).

آهنگ اندیشه‌ی سیاسی اسپینوزا در فصول ذیل فزونی می‌گیرد: فصل شانزده (بنیان‌های دولت و حق طبیعی)، که گاه در ترجمه‌ی «State» «حکومت» باید گفت؛ که خود اصطلاح‌شناسی‌ای را برای این پژوهش می‌طلبد. فصل هفده (دولت یهودی)، فصل هجده (نسبت میان دین و دولت) که چهار نتیجه از این فصل بر می‌آید که به صورت مبسوط در پژوهش و اشاره‌وار در اینجا بدان می‌پردازیم: اولاً مرجعیت‌های دینی نبیستی هیچ قدرت مشروعی از جمله قدرت وضع قوانین داشته باشند. ثانیاً مرجعیت‌های دینی و دولت‌ها نبیستی در اعتقاد و باور مردمان اعمال قدرت کنند. ثالثاً پُر بلا خواهد بود که مردمان بکوشند نوع حکومت را از موناشرشی به گونه‌ی نوع دیگر تغییر دهند. رابعاً تنها حاکمان باید حق (درست) و ناحق (غلط) را تعیین کنند. فصل نوزده (حق حاکمان بر دین) و فصل بیست (آزادی اندیشه و بیان) (Charles Jarrett, 2007: 178-181).

۸. بخش نخست خوانش: فلسفه (Philosophy)

همانگونه که پیشتر و در آغاز بخش تحلیل و خاستگاه اثر گفته شد، باروخ اسپینوزا در رساله‌ی الهیاتی - سیاسی کوشید تا دو مفهوم «سیاست» و «دین»، و نیز ملحقات و لوازم هر کدام را روشن سازد. راهی که او پیمود، بی‌تردید، در نظام فلسفی، اخلاقی و روان‌شناختی کتاب اخلاق ریشه داشت. اخلاق سراسر کوششی هستی‌شناسانه، معرفت‌شناسانه و انسان‌روان‌شناسانه است. انسان‌شناسی اسپینوزا، در اخلاق، بر نسبت عقل و اراده - انفعالات مبتنی است. او می‌کوشد که مبانی عقلانی اخلاق فردی را بر آدمی روشن سازد و عقل را برای او همچون سرچشمه‌ی تبیین هر چه هستی‌ست رنگین‌تر، کارسازتر و پرگهرتر

بُنیایند.^{۱۶} به تعبیری، او در پی گشودن معنای «آزادگی» است و به نظر می‌رسد برای اسپینوزا - دست‌کم در اخلاق - «آزادگی» بر «آزادی» تقدم منطقی دارد. بدین معنا که، آزادگی در گرو فضیلت خود-فهمی و سهیم دانستن عقل در فعل آدمی است، افزون بر این مصادره‌ی هر انفعالی به نفع فعل عقل است. با این نگاه «آزادگی» می‌تواند مساوق و هم‌طراز آن چیزی باشد که در ترجمه‌ی «moral sentiment» می‌آوریم، یعنی شور اخلاقی. اما با همه وسواس و تأکید اسپینوزا بر عقل و فلسفه در رساله، به عنوان اثری دوران‌ساز، بخش مجزایی ذیل نام فلسفه نمی‌بینیم.

بگلی در آغاز بخش نخست کتاب‌اش معتقد است که در رساله فصل مجزایی نداریم که به فلسفه پرداخته باشد، با این همه، آموزه‌های فلسفی اسپینوزا در سرتاسر کتاب گسترانده شده است. به باور بگلی مهم‌ترین رسالت اسپینوزا در رساله در عنوان کامل کتاب منظوم است. رساله می‌کوشد تا به انسان‌های موزد که می‌توانند به آزادی اندیشه دست یابند بی‌آنکه خللی در تقوا (piety) و صلح و آسایش عمومی آنها (public peace) وارد آید. بگلی در این بخش، هم‌راستا با اندیشه‌ی اسپینوزا در پیشگفتار رساله، معتقد است که سنت رایج این بوده است که دین^{۱۷} همواره فضایی در ستیز با عقل و فلسفه ایجاد می‌کند.

در شرح مهم‌ترین فقرات رساله، بگلی معتقد است در جای جای رساله، تصریحاً بیان شده است که مردم زندگی و امورات خود را با انفعالات و احساسات به پیش می‌برند نه با دلیل و برهان؛ از این رو است که به فلسفه اهمی ندارند. بگلی با توصیف و بازخوانی مهم‌ترین پاره‌های اندیشه‌ی اسپینوزا شارح بزرگ فلسفه‌ی کانت، یعنی کمپ اسمیت، را برای ما تداعی می‌کند. او نیز همچون اسمیت یکی از مفاهیم کلیدی اسپینوزا را پایه‌ای می‌گیرد برای شرح و نشان دادن خط استدلال او. برای نمونه، در متن اسپینوزا با این رأی مواجه می‌شویم که آدمی به سلامتی و امنیت (security and health) میل دارد اما چنین میلی و خواستی ممکن است او را از راه عقل به در کند و کژی و ناراستی و خرافه‌پرستی را برای او به بار آورد. در شرح اندیشه اسپینوزا، بگلی می‌نویسد «آدمی امورات زندگی‌اش را به شانس و اقبال می‌سپارد و همواره در پی چیزی انسانی یا فرا انسانی است. این کار برای آن است تا برای آنها خیر و خوشی را به ارمغان آورد و «امنیت و سلامتی» از جمله‌ی آنهاست. ... طرفه آنکه، با طبیعت، سرشت آدمی بر آن گشته که طبیعت را جدا از خویش و گاه فوق و ورای چیزها، به امید ارضاء طبیعی‌ترین خواهش‌ها یا امیال انسانی، نظاره کند. الهیات یا دین است که به این امور غیر انسانی یا فرا انسانی دامن می‌زند (Bagley, 2008: 29-30). او با این ادبیات

هم بر وجه طبیعت‌باورانه‌ی (naturalistic) اسپینوزا انگشت می‌گذارد هم بر وجه جبر‌باورانه‌ی او^{۱۸} (deterministic).

در نظرگاه بگلی، اسپینوزا در رساله می‌کوشد تا اثبات کند که فلسفه می‌تواند با دین و سیاست در صلح و مدارا باشد و با آنها هم‌بود و هم‌زیست گردد. به تعبیری دیگر، آنگونه که دین وعده‌ی رستگاری یا نجات (wellbeing orsalvation) می‌دهد فلسفه نیز می‌کوشد آن چیزی را که در واژه‌ی *salus* هست برای انسان به ارمغان آورد. درباب این واژه‌ی لاتینی، بگلی معتقد است آن را باید در بستر (context) خاص خود فهمید زیرا در دلالت الهیاتی و دینی به معنای رستگاری دینی (religious salvation) و در دلالت سیاسی‌اش به معنای رفاه و آسایش مدنی (civic welfare) است (ibid:31). با این همه، اسپینوزا با اتکا به نور طبیعی عقل به واکاوی هر آنچه شناختنی است دست می‌یازد. این کار در آزمودن عقلانی دین و نیز سنجش عقلی - تاریخی کتاب مقدس پُر رنگ‌تر می‌گردد. با این نگاه، الهیات یا دین برای آدمی می‌تواند همچون دهلیزی باشد که او را به منش و اعتقادی وا می‌دارد که در راه دست‌یابی به صلح و آسایش نافع است. در مقابل، او را از راهی که منفعتی حاصل نیاید روی گردان است. تحت فرمان عقل فیلسوف می‌اندیشد که کدام پاره از دین و الهیات را، در خدمت هدف‌اش، برگزیند (ibid:80).

در این فصل بگلی با قلمی رسا و زبانی گویا و ارجاع به متون معتبر کوشیده است تا بخش‌های فلسفی تر رساله را گردآورد. او بر آن است که این مفاهیم در ادبیات اسپینوزا و در رساله می‌توانست در قالب فصلی مجزا آورده شود. بگلی فلسفه‌ورزی اسپینوزا و وحنانیت موسی نبی را در قالب مثالی و نگاهی اینگونه می‌آورد.

بخشی از نتایج آموزه‌ی فلسفی اسپینوزا در رساله با اهتمام او در سرمشق قرار دادن و تأسی کردن از شکل و سازندِ رژیم خدا مدار^{۱۹} یا یزدان سالارانه با خطوط کتاب مقدس یهودا - مسیحی ایضاح می‌گردد. به این معنی که سودای اسپینوزا در رساله این است تا رژیم نوین خدا مداری برپا دارد که ساخت و اسلوب رژیم خدا مدار موسی پیامبر را در عهد عتیق^{۲۰} تقلید می‌کند. بسان موسی، اسپینوزا نیز معتقد است که آسایش و سلامتی و رفاه بر فهم جزئی و دقیق^{۲۱} از دین وحنانی مبتنا دارد که عدالت، نیک‌خواهی و آسایش را می‌گستراند و نیز بر می‌آید که آنها برای صلح و نظم جمهوری «مفید و ضروری» باشند. ساز و کار رسیدن به این صلح و آسایش در گونه‌ی حکومت خدا مدار موسی بر سنگ‌نبشته‌ای نگاشته شده است اما اسپینوزا می‌کوشد تا این گونه‌ی حکومت را بر قلوب انسان ایمان‌دار حک کند. (ibid:36).

استدلال بگلی در بکار بردن واژه‌ی رژیم، که ما نیز همان را تکرار کرده ایم، این است که هیچ یک از معادل‌های انگلیسی ذیل نمی‌تواند معنای نهفته در دل واژه‌ی لاتینی *imperium* را منتقل کنند: "right or power of", "command", "direction", "authority", "jurisdiction", "government", "dominion", "empire", "sovereignty", "command". از اینرو ست که به واژه‌ی فرانسوی "regime" متمسک می‌گردد. نکته‌ی قابل توجه درباب این واژه آن است که خود از ریشه‌ی لاتینی *regimen* مشتق شده است.

اسپینوزا به ما می‌آموزد که با راززدایی از کتاب مقدس و مفاهیم مندرج در آن همچون نبوت، معجزه و خود- برتر دانی قوم یهود بر سایر اقوام و گروه‌های دینی، می‌توان به پیام جهان‌روایی که این کتاب حامل آن است دست یافت و آن این پیام است: شناخت خدا^{۲۲} و عشق ورزیدن به او، و عشق ورزیدن به همسایه همچون خویشتن. این پیام برای اسپینوزا این نتیجه‌ی مهم را در پی دارد که می‌توان قواعد اخلاقی از این دست را بدون تمکین به واژگان کتاب مقدس و مرجعیت‌های دینی و به صرف نور طبیعت عقل فرا چنگ آورد. افزون بر این، عقل، آدمی را در تفسیر دین آن‌گونه که خود می‌جوید، مختار می‌سازد. بالاترین پدایش قانون الهی آن است که این قانون را فرا چنگ آوریم و در آن غور و خوش کنیم. دریافت هر یک از بخش‌های طبیعت و قانون طبیعت الهی به یاری عقل برای آدمی آزادی را به ارمغان می‌آورد و در نگرش اسپینوزا او را از دام تن و بی‌ثباتی روان نجات می‌دهد (Spinoza, 2007: 61).

۹. بخش دوم خوانش: الهیات (Theology)

بگلی این بخش خوانش را از فقره مشهور ششم از فصل پانزدهم رساله می‌آغازد. او بدرستی با تکیه بر متن رساله بر نگرش الهیاتی یا دینی اسپینوزا تمرکز می‌کند.

... الهیات یا دین هیچ طرحی در برابر عقل ندارد و نخواهد داشت. ... مقصودم از الهیات در اینجا، به نحو دقیقی، وحی یا الهام الهی است تا آنجا که آن بر هدفی گواهی دهد که پیشتر گفته آمد که کتاب مقدس بدان میل می‌کند، یعنی روش و اسلوبی که اصلی است برای تقوا و ایمان راستین. این آن چیزی است که کلام خدا نامیده می‌شود بی‌آنکه به کتاب الهی خاصی محدود گردد (Spinoza, 2007: 190-191).

خط سیر استدلال اسپینوزا در نگاه بگلی اینگونه بسته شده است که:

خواننده‌ی رساله آگاه می‌گردد که الهیات یا دین همان وحی است، وحی با کتاب مقدس پیوند خورده است، وحی ضرورتاً تقسیم به و درگیر در آن آموزه‌ای است که بر تعبد تأکید می‌ورزد و اصولاً پیرو چنین آیین و آموزه‌ای است، این آموزه که بر تعبد تأکید می‌ورزد بنیان ضروری تقوا و ایمان است. بنابراین الهیات، وحی، کتاب مقدس، تقوا و ایمان سازواره‌ای واحد تشکیل می‌دهند و تمامی این اجزا در یک جزء اشتراک دارند و آن این است: آموزه‌ای درباب طریق خاص تعبد (Bagley, 2008: 86).

اسپینوزا می‌کوشد با نگاهی انتقادی به هدفی که در پیشگفتار رساله آمده است — که همانا تحدید و ایضاح و به تبع آن تفکیک دو قلمرو دین و فلسفه است — نزدیک شود. در حقیقت و در نظرگاه اسپینوزا، نگاه انتقادی و خردورزی و تفسیر درباب حقایق طبیعی می‌تواند ما را بیش از پیش آزاده‌تر و از هرگونه تعصب الهیاتی و خرافه‌اندیشی به دور سازد. کتاب مقدس یکی از این حقایق (fact) است؛ استدلال اسپینوزا در فقره‌ی دوم از فصل هفتم، که بیشتر بدان اشارتی رفت، در این باب روشنی‌بخش است. بسیاری از شارحان این‌گونه نگرش را برای انسان امروزی مفید و بلکه ضروری می‌دانند. رُی ای. هریسویل (Roy A. Harrisville) و والتر سانبرگ (Walter Sundberg) در کتاب جایگاه کتاب مقدس در فرهنگ مدرن می‌نویسند: «... ما بر آنیم که بحث پیرامون نقد تاریخی کتاب مقدس چیزی کم از بحث درباب اصول نخستین و برین الهیاتی، آنگ‌گونه که در زندگی کلیسا نضج گرفته است، ندارد». آنها به نقل از کاردینال راتزینگر (Ratzinger) می‌نویسند: «ژرف بنگریم، درخواهیم یافت بحث درباب تفسیر مدرن کتاب مقدس بحثی فلسفی است ... و می‌تواند بنیانی برای زمانه‌ی ما باشد». (Harrisville and Sundberg, 2002: 3).

شرح پاره‌های الهیاتی رساله و تأمل درباب مهم‌ترین اصطلاحات بکار رفته در آن بخش دوم از کتاب خوانش بگلی را تشکیل می‌دهد. بازخوانی اندیشه‌ی اسپینوزا به روایت بگلی به ما توجه می‌دهد که اسپینوزا می‌کوشد تا با نشان‌دادن دشواری‌های تفسیر عهد عتیق و جدید به پیام جهان‌روایی درباره‌ی ایمان دست یابد. به تعبیر بگلی «نگاه اسپینوزا به ایمان جهان‌روا (universal faith) در برگرفته تفسیر (interpretation) و نیز سنجش (evaluation) بن‌مایه‌های اساسی دین مُنزَل (revealed religion) است. اسپینوزا آنچه نبوت (prophecy) خوانندش تعریف و تشریح می‌کند؛ او ویژگی و گنجایی پیامبر را توصیف می‌کند؛ او آنچه را که نزد همگان معنایی داشته بر می‌رسد، برای نمونه، قوم یهود توانستند خویش را قوم برگزیده خدا خوانند [که اسپینوزا این ادعا را به سنجش می‌گذارد]؛ او تمایز میان قانون الهی

(divinelaw) وقانون آیینی (ceremonial law) را شرح می‌دهد؛ درباب پدیده‌ی معجزات تأمل می‌کند و نیز روشی برای تفسیر کتاب مقدس وضع می‌کند که سرشتی تاریخی (*historianaturae*) دارد و با آن روش می‌توان عهدین را خواند، تفسیر کرد و فهم کرد.» (Bagley,2008: 85).

به‌سان اسپینوزا، بگلی نیز می‌کوشد تا با تأمل بیشتر در سخنان اسپینوزا و آیاتی که او بدان‌ها ارجاع می‌دهد شرحی درخور و محققانه عرضه دارد. او در تحلیل پسین‌اش از این بخش *خوانش* در مقام دفاع از اسپینوزا بر می‌آید، که در رده و مرتبه‌ی نویسنده‌ای حرفه‌ای چون بگلی نمی‌توان گفت این هواداری از پیش‌داوری ناشی شده است، و معتقد است که الهیات، همواره، آموزه‌ای ضد فلسفه‌ترویج داده است. حتی الهیدانان بر آن اند که فلسفه نشاید و نتواند راهی رهین رستگاری به ارمغان آورد. اما به باور نویسنده‌ی *خوانش* کسی می‌تواند چنین ادعایی کند که اثری را از منظر و مرایای فلسفی خوانده باشد آنگاه نیک در خواهد یافت که فیلسوفی همچون اسپینوزا آشکارا، در رساله، الهیاتی‌اندیشی کرده و در نهان فلسفه ورزیده است (ibid:142).

۱۰. بخش سوم *خوانش*: سیاست (Politics)

در این بخش از *خوانش*، بسان دو بخش پیشین، رویکرد واژه‌شناسانه‌ی بگلی به اثر اسپینوزا محرز است. بگلی به ما توجه می‌دهد که در فصل چهاردهم رساله (اندر باب قانون الهی) تلاش بر آن استتا «بنیان‌های ایمان» آزموده شوند. اگرچه، به گمان او، این در حالی صورت می‌گیرد که هیچ فصلی از رساله، سنجش «بنیان‌های فلسفه» و «بنیان‌های سیاست» را در دل خویش جای نداده است. در نگاه بگلی، صفت لاتینی *political* (آشکارا در عنوان رساله آمده است. اما هیچ فصلی، به صورت مجزا، تحت عنوان سیاست یا امر سیاسی (the political) نمی‌یابم. به باور بگلی نخستین جایی که اسپینوزا از سیاست در معنای اجتماع (Society) یا حکومت (the administration of the state) سخن می‌راند فقره هفتاد و سوم از فصل پنجم رساله است (ibid: 145-146). یعنی جایی که اسپینوزا اعلام می‌دارد که بدون اجتماع آدمیان یارای تمثیت امور زندگانی خویش را ندارند و فقدان همیاری، هدرداد زمان را برای آنان به بار خواهد آورد. افزون بر این، کسب هیچ هنر و مهارتی که اصولاً در اعتلای آدمی حذف ناشدنی است صورت نخواهد گرفت زیرا نه تقسیم کاری رخ داده

است و نه برای آنها فرصتی برای این کار هست. فقدان اجتماع در نظرگاه اسپینوزا به معنای زندگی فلاکت بار (wretched) و ددمنشانه (brutish) است (Spinoza, 2007:72).

بگلی در شرح پاره‌های اندیشه‌ی سیاسی اسپینوزا باز به الهیات او متمسک می‌شود. به تعبیری، او حل مسایل سیاسی شهر را در تبیین و فهم کتاب مقدس و مسایل برآمده از آن می‌داند. شهر برای اسپینوزا جلوگاهی است که می‌تواند برای انسان آزادی را به ارمغان آورد. اگر آزادی را در معنای رهایی انسان از بند انفعالات بدانیم - پروژه‌ای که اسپینوزا در تمامی آثارش به ویژه اخلاق پی می‌گیرد - بایسته است که اسپینوزا «آزادی» را در برهم‌کنش فرد با دیگری بررسی کند. دیگری‌ای که می‌تواند در مشربی فکری یا دینی یزدانی یا سلوک و رسوم قومی یا حاکمیت و مرجعیتی سیاسی جلوه‌گر شود. رساله جلوگاه فروتنانه‌ی این کوشش روشنی‌بخش است. نویسنده‌ی رساله، از سویی، در پی نشان‌دادن کژی یا ناراستی قوانین و قراردادهای غیرعقلانی (یعنی استدلال‌ناپذیر یا استدلال‌گریز) دینی و سیاسی مرسوم و حاکم بر مردمان است و از دیگر سو، می‌کوشد تا مانعی باشد بر اجرای نادرست قوانین درست.

یکی از مقاصدی که اسپینوزا از مفهوم آزادی دارد، در عنوان فرعی رساله، به طور مجمل، و در فصل بیستم، به طور مفصل، آمده است. اسپینوزا اذعان می‌دارد که آزادی فلسفه‌ورزی را می‌توان بی‌آنکه خدشه‌ای به پارسایی و آرامش مردمان وارد آید، بدانها اعطا کرد، که اساساً آرامش و پارسایی ملت در گرو آزادی است و سرکوب آن بی‌تردید مخاطره‌آمیز خواهد بود. اما در رساله، اسپینوزا معنای ژرف‌تری را می‌جوید که بتواند به یاری آن، آزادی را روا، جایز و ضروری بشمارد. آن معنا از یک سو، اهتمام نظری اسپینوزا به روشنگری دین و کتاب مقدس و از سوی دیگر، تضعیف جایگاه سیاسی اولیای دین است، که بر دولت‌ها اعمال قدرت می‌کنند. روحانیون در نظرگاه اسپینوزا توانسته‌اند با ترویج خرافه و موهوماتی که شخص را در تنگنای بیم و امید معلق می‌دارد، جاه‌طلبی و مرجعیت سیاسی خویش را فزونی بخشند که بی‌تردید می‌توان از آن به رخداد یا بحرانی اندیشه‌ای یاد کرد.

اسپینوزا در واکنش به این بحران، قلم روشنگری بر صفحه‌ی تاریک زهد فروشان و تقدس‌اندیشان زمانه‌ی خود می‌کشد. او در این راه پیش و بیش از هر چیز همگان را به بازخوانی کتاب مقدس، همچون اثری طبیعی و نه ماوراءالطبیعی، فرامی‌خواند. این شیوه از فهم برای اسپینوزا همانا برون‌رفتی از معضل برآمده از اتوریته‌ی رهبران دینی و الهی‌دانان به

ویژه حکام یهودی بود. به نظر می‌رسد، اسپینوزا سه نتیجه را بر پژوهش‌اش در باب کتاب مقدس مترتب می‌سازد. اولاً، با تأمل در کتاب مقدس، می‌توان آموزه‌های دین حقیقی را در آن دریافت کرد. ثانیاً، می‌توانیم آشکار سازیم که عبودیت خدا چه چیزی را بر ما لازم می‌آورد و با این نگاه می‌توان از اقتدار سیاسی اولیای دین کاست و بر آزادی فلسفه‌ورزی و آزادی تفکر و بیان پای فشرده. ثالثاً، اسپینوزا نشان می‌دهد که کتاب مقدس صرفاً سندی تاریخی و حامل پیام اخلاقی است و فقط عشق به خدا و تعبد او را به ما می‌آموزد و نه شناخت فلسفی را.

در این بخش نیز شاهد اهتمام فکری بگلی در واکاوی مفاهیمی از این دست هستیم: وضع طبیعی، دولت، وضع مدنی، قرارداد اجتماعی، برتری دموکراسی بر سایر اشکال حکومت‌داری، پای‌بندی به قرارداد اجتماعی و برحذرداشتن تخلف از آن. پُر پیداست که اسپینوزا در بخش‌های مختلف رساله، به ما توجه می‌دهد که احکام منظوری در کتاب مقدس نمی‌تواند و نشاید الگو و نسخه‌ای برای سامان دادن اوضاع و موقعیت‌های گونه‌گون سیاست باشد. او می‌کوشد تا با تمایز نهادن میان قانون الهی، یعنی شناخت خدا و عشق ورزیدن به او، و قانون آیینی مختص هر دوران امور اخلاقی برآمده از کتاب مقدس را بن‌مایه‌ی پژوهش امر سیاسی بداند.

به باور بگلی و با تکیه بر فقرات ۶۹ و ۷۱ رساله، آموزه‌ی کتاب مقدس که آموزه‌ی وحی، دین، ایمان و تقواست خواست دیگری می‌تواند داشت و آن پیروی و سرسپردگی به است. این امر می‌تواند فضیلت و تشریک مساعی انسان‌ها را در آموزه‌ای همچون، عشق ورزیدن به همسایه بسان خویش، اعتلا بخشد و این می‌تواند برای آدمی رستگاری را در هر دو جنبه‌ی الهیاتی و سیاسی به ارمغان آورد (Bagley, 2008: 185).

۱۱. بخش چهارم خوانش: فلسفه، الهیات و سیاست (Philosophy, Theology and Politics)

در این بخش بگلی با تجمیع آراء سه بخش پیش تمهیدی می‌اندیشد تا به سخن فرجامین (epilogue) کتاب برسد. با پیش‌فرض خداشناختی اسپینوزا، یعنی اینکه خدا هست و آن با طبیعت «همان» است، بگلی مدعی است که این پیش‌فرض اسپینوزا را موسی جدید و مدرن کرده است. به باور بگلی تمسک اسپینوزا به تفسیر آموزه‌های وحیانی کتاب مقدس راه‌باور به وجود خدا را برای او هموار کرده است. این باور پیروی از قوانین و مرجعیت‌های وضع

شده و اعتقاد به آمرزش گناهان را به همراه خواهد داشت، این باور عشق به همسایه و نیز جزای غفلت از آن را در کانون توجه دارد و ایمان، تقوا و هر بحث الهیاتی را که با رژیم سیاسی دموکراتیک در بر هم کنش است می‌پژوهد. به تعبیری اسپینوزا با تقلید از مدل رژیم خدا مدار عبری موسی می‌کوشد رستگاری الهیاتی و سیاسی را به ارمغان آورد. از این رو است که می‌توان از عنوان موسی زمانه یا موسی جدید (THE NEW MOSES) برای اسپینوزا بهره گرفت. بگلی به ما توجه می‌دهد که «موسی جدید» می‌کوشد حکومت خدا مدار را بر دانش طبیعی و فلسفی و در مسیر بهبود اوضاع بشر خودمحمور بنا کند. بگلی معتقد است که رساله‌ی اسپینوزا را می‌توان با شناخت دقیق او از الف: فایده‌ی الهیات و دین، ب: سرشت بشر و فلسفه‌ورزی در علت چیزها، پیام‌آور اندیشه‌های نو در ۱) تفسیر دین و اندیشه‌ورزی در آن ۲) تحکیم بنیان‌های حکومت‌های دموکراتیک دانست (ibid:243-244).

۱۲. قوت و کاستی اثر

در باب قوت این اثر و دلیل برگزینش آن پیشتر به اجمال سخنی گفته آمد و تکرار آن اطناپ در کلام است. تنها، در اینجا بایسته است استفاده‌ی بگلی از منابع وزین را افزود که بی‌تردید آن را اثری اصیل کرده است. اما در باب کاستی اثر بگلی از دو منظر صوری و محتوایی نکته ذیل را می‌توان اشارت کرد.

- اثر از منظر صوری

۱. کتاب فاقد فهرست تفصیلی است. گرچه این امر خود به تنهایی نمی‌تواند دلیلی بر کاستی اثری باشد اما هنگامی که کتابی، همچون کتاب بگلی، می‌کوشد تا بیست فصل از رساله‌ی اسپینوزا را در خود جای دهد، بایسته است که زیرفصل‌ها و به تبع آن فهرستی تفصیلی از فصول داشته باشد.

۲. بی‌شک، کتابی با این حجم از دقت و واژگانی و بهره بردن از اصل لاتینی اثر می‌تواند فهرستی توصیفی از اصطلاحات فنی تحت نام (glossary) داشته باشد که این اثر فاقد آن است.

۳. با وجود نمایه‌ی اشخاص در این کتاب می‌توان گفت دیگر نمایه‌ها (نمایه‌ی موضوعی، نمایه‌ی مکان و ...) می‌تواند راه‌گشای خواننده باشد.

- اثر از منظر محتوایی

۱. بگلی رهی می‌پوید که اسپینوزا در جای‌جای رساله و به ویژه در باب تفسیر متون مقدس پیموده است و آن نقد درونی و تفسیر متن با خود متن است. چنانکه پیش‌تر اشاره شد، توجه به نقد درونی به گمان راقم این سطور برترین مرتبت راستی در پژوهش علمی است. اما از سویی دیگر، نقد بیرونی و مصاف اندیشه‌های موافق و مخالف و نیز آراء دیگر شارحان در اعتلای پژوهش انکار نشدنی است. اثر بگلی در نقد بیرونی کمتر جلوه کرده است. با وجود استفاده‌ی او از منابع معتبر، کمتر شاهد تحلیل اثر اسپینوزا از منظر و ملجأ دیگر شارحان و متفکران هستیم.

۲. بگلی، عمدتاً، بر پیش‌فرض‌های خداشناختی و هستی‌شناختی تمرکز دارد این در حالی است که پیش‌فرض‌های تعلیم و تربیت اسپینوزا می‌تواند در رساله و در خدمت اخلاق فردی و اخلاق جمعی، یعنی سیاست، بررسی و تحلیل شود.

۳. گاه در کتاب شاهد اطناب کلام هستیم که خواننده را به صرف انرژی مضاف و می‌دارد. به تعبیر دیگر، وحدت و انسجام درونی موضوع فدای توضیح و وضاحت می‌گردد.

۱۳. نتیجه‌گیری

با وجود کاستی‌های صوری و محتوایی، کتاب بگلی اثر شایسته‌ای است که می‌تواند رهگشای پژوهش‌گر در بررسی آرای الهیاتی - سیاسی اسپینوزا باشد. استفاده از منابع دسته اول و بهره‌گیری از نسخه‌ی لاتینی رساله به ما نوید می‌دهد که با اثری اصیل مواجه شده ایم. همان‌گونه که اشاره شد، بگلی معتقد است که اسپینوزا موسی و پیامبر مدرن است چرا که موازین الهیاتی و سیاسی و اخلاقی کتاب مقدس را بسان موسی تقلید و باز تعریف می‌کند. تفاوت او با موسی نبی تنها در آنجاست که اسپینوزا با تبیین فلسفی و طبیعت‌باورانه به این کار دست می‌یازد.

هر یک از کاستی‌های محتوایی کتاب بگلی، تا جایی که نگارنده دریافته است، می‌تواند موضوعی رهنمایی باشد برای دیگر مطالعات اسپینوزا شناسی. بی شک، تلاش در نگارش آثاری از این دست به زبان فارسی فرهنگ و ادبیات اندیشه‌ای ما را اعتلا می‌بخشد. کار بگلی با تمرکز بر نقد بیرونی رساله‌رنگ و لعاب دیگری می‌گرفت که این‌خلاق خود می‌تواند موضوع کتب، مقالات، پایان‌نامه‌ها و رساله‌های پژوهشی باشد.

پی‌نوشت‌ها

۱. زین‌پس به اختصار و به صورت ایرانیک می‌نویسیم خوانش.
2. Piety, Peace, and the Freedom to Philosophize
3. Supplements to The Journal of Jewish Thought and Philosophy
4. The Life and Thought of Hans Jonas: Jewish Dimensions
۵. فیلسوف یهودی مصری سده ۹ میلادی سعادیا بن یوسف گائون
6. Spinoza's Theological-Political Treatise: A Critical Guide, Eds. Yitzhak Melamed and Michael Rosenthal, Cambridge: Cambridge University Press.
۷. زین پس به اختصار و به صورت ایرانیک می‌نویسیم رساله
8. Spinoza on Politics, Daniel Frank and Jason Waller: Routledge 2016.
9. The Cambridge history of Jewish philosophy, edited by Steven Nadler [and] T.M. Rudavsky.
10. James, Susan, 2012, *Spinoza on Philosophy, Religion, and Politics: The Theologico-Political Treatise*, Oxford: Oxford University Press.
11. scientifically
12. natural light of reason
13. *Leviathan*
14. Thomas Hobbes
۱۵. معادل‌ها صرفاً برای افاده‌ی معناست و در ترجمه‌ی آنها بیش از این باید تأمل کرد.
16. *Cum melior pars nostris sit intellectus*: یعنی عقل همچون برترین جزء آدمی:
۱۷. بگلی در این قسمت یکی از نکات واژگانی اسپینوزا را آشکار می‌سازد و آن دو واژه مهم الهیات و دین است که اسپینوزا بی‌آنکه تأکید زیادی در تمایز آن دو بورد بجای هم به کار می‌برد.
۱۸. اسپینوزا در بخش نخست/اخلاق ذیل قضایای ۲۹ و ۳۳ چنین می‌نویسد:
قضیه ۲۹: ممکن در عالم موجود نیست، بلکه وجود همه‌ی اشیاء و نیز افعالشان به موجب ضرورت طبیعت الهی، به وجه معینی موجب شده‌اند. قضیه ۳۳: ممکن نبود اشیاء به صورتی و نظامی دیگر، جز صورت و نظام موجود، به وجود آیند. (اسپینوزا، ۱۳۹۰: ۴۹-۵۴).
19. theocratic regime
20. Hebrew Scriptures

۲۱. در بخش پنجم از اخلاق ذیل قضیه‌ی ۲۴ می‌خوانیم: ما هر اندازه اشیاء جزئی را بیشتر بفهمیم، به همان اندازه خدا را بهتر خواهیم فهمید (اسپینوزا، ۱۳۹۰: ۳۱۰).
۲۲. در برهان قضیه‌ی ۲۷ از بخش پنجم اخلاق می‌خوانیم: عالی‌ترین فضیلت نفس شناخت خدا یا فهم اشیاء با نوع سوم شناخت است (همان: ۳۱۰). ... اسپینوزا بیشتر به ما توجه می‌دهد که نوع سوم شناخت از تصور تمام صفات معین خدا متشی و به شناخت تام ذات اشیاء منتهی می‌شود (ذیل برهان ۲۵ در بخش پنجم قضیه‌ی ۲۵).

کتاب‌نامه

اسپینوزا، باروخ (۱۳۹۰)، اخلاق، ترجمه محسن جهانگیری، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

- Charles E. Jarrett, (2007), *Spinoza: a guide for the perplexed*, Continuum.
- Daniel Frank and Jason Waller, (2016), *Spinoza on Politics*, Routledge.
- Edward Peters, (spring, 1995), *Jewish History and Gentile Memory: The Expulsion of 1492* *Jewish History*, Vol. 9, No. 1 pp. 9-34 Published by: Springer.
- Paul J. Bagley, (2008), *Philosophy, theology, and politics: a reading of Benedict Spinoza's Tractatus theologico-politicus*, Brill.
- Roy A. Harrisville and Walter Sundberg, (2002) *The Bible in modern culture: Baruch Spinoza to Brevard Childs*, Eerdmans Publishing Co.
- Spinoza, (2007), *The Theological-Political Treatise* ed. Israel, Jonathan, Cambridge University Press.
- Spinoza, Benedictus de. (1985), *The Collected Works of Spinoza*. Ed. And trans. Edwin Curley. Vol. I. Princeton University Press.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی